

بهره‌گیری از فناوری نوین در آرشیو ایران

سرفصل‌های میزگرد:

- * بررسی کارنامه دهه هفتاد کشور
- * نمونه‌هایی از کشورهای موفق در این عرصه و سایت‌های اینترنت
- * امکان‌سنجی فروش الکترونیکی اسناد روی اینترنت
- * تولید ماشینی تزاروس اسناد
- * جایگاه اسناد و آرشیو در طرح تکفا (توسعه کاربری فناوری اطلاعات و ارتباطات کشور)
- * چشم‌انداز آینده و روند توسعه دیجیتال شده اسناد در دهه هشاد

شرکت‌کنندگان

- ۱) آقای رضا فراستی، مدیر اطلاع‌رسانی موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، دبیر جلسه؛
- ۲) آقای محمد سمیعی سردبیر کتاب ماه کلیات؛
- ۳) آقای محمود دهقان کارشناس ارشد آی‌تی؛
- ۴) آقای علیرضا اسماعیلی از مرکز اسناد ریاست جمهوری؛
- ۵) آقای فتح‌الله کشاورز، مدیر بخش فهرست نویسی و نمایه‌سازی اسناد، سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران؛
- ۶) خانم فرزانه طاهری، از موسسه پژوهش‌های تاریخ ادبیات کودکان ایران؛
- ۷) خانم فرزام رئیس مرکز اسناد و مدارک میراث فرهنگی؛

* فراستی: با نام خدا بحث را در مورد اولین سرفصل، یعنی «بررسی کارنامه دهه هفتاد در بهره‌گیری از فناوری نوین در آرشیو ایران» شروع می‌کنیم.

* کشاورز: من با اجازه سعی می‌کنم بند اول را به طور مختصر مطرح کنم. کارنامه دهه ۷۰ سازمان اسناد ملی به این صورت است که دقیقاً تا آذر ۱۳۷۰، اسناد به صورت دستی ذخیره و بازیابی می‌شد و از آن زمان به بعد، شروع به مکانیزه کردن اسناد کردیم؛ به این صورت که با افراد متخصص زیادی صحبت شد؛ حتی بعضی‌ها با داشتن حجم کار زیاد ما عقیده داشتند که ما به کامپیوترهای بزرگ (Main) احتیاج داریم، ولی آن طرح‌ها انجام نشد و ما به صورت نمایه‌سازی کار را شروع کردیم. از آنجا که ما با حجم زیادی از اسناد روبرو بودیم، مجبور بودیم ذخیره و بازیابی را به صورت مرحله‌ای انجام دهیم و تقریباً نمایه‌ها به صورت توصیف‌گر در می‌آمد. در مرحله اول در کامپیوتر، شرح سند به صورت چکیده فشرده و در عبارت خیلی مختصر دیده می‌شد، موضوع سند به مراجعه‌کننده ارائه می‌شد و در مرحله بعدی پیش‌بینی شد که اگر کسی سندی را از روی شرحش انتخاب کند خود سند در کامپیوتر و همینطور در میکروفیلم قابل رؤیت باشد.



می‌کنیم و از روی عناوین، ماشین به طور مکانیزه واژه‌های آزاد را سرچ می‌کند و به شما آدرس می‌دهد. از ابتدا بنا بر این بود که مکانیزه شدن سازمان به صورت مرحله‌ای انجام بگیرد و نظر بر این بوده همه اسنادی که وارد سیستم رایانه می‌شود از روی دستگاه، قابل رویت باشد. منتها همانطور که من عرض کردم حجم بالای اسناد، این اجازه را به ما نداده است که کار به سرعت پیش رود. گرفتاری‌های دیگری داشتیم؛ از جمله محل استقرار سازمان که شاید بعضی از آقایان اطلاع داشته باشند که سازمان در حال انتقال به ساختمان جدید است و بسیاری از برنامه‌های ماشینی سازمان یا اعلام نشده یا ناقص مانده تا این انتقال صورت بگیرد.

* فراستی: پس در حقیقت بحث ماشینی کردن اطلاعات در سازمان به صورت جستجوی واژه‌ای انجام می‌شود ولی بحث اسکن را نفرمودید.

* کشاورز: بله، از روی اسنادی که میکرو فیلم تهیه شده الان اسکن هم تهیه شده تا از طریق کامپیوتر بدون مراجعه به میکروفیلم هم خود اسناد قابل رویت باشد.

* اسماعیلی: اسنادی که در ریاست جمهوری نگهداری

بحث کامپیوتر و میکروفیلم از همان زمان در آرشیو در کشورهای دیگر مطرح بود. زیرا به تصویر کامپیوتری (اسکن شده) ایراد وارد می‌کردند که قابل استناد حقوقی نیست ولی به لحاظ حقوقی، میکرو فیلم را در دادگاه‌های بین‌المللی از جمله دادگاه لاهه، قابل استناد می‌دانستند. به این لحاظ در تمام آرشیوهای دنیا این کار را انجام می‌دادند؛ هنوز هم در برخی از جاها، علاوه بر تصویر کامپیوتری، از روی اسناد، میکرو فیلم می‌گیرند. ما هم این کار را انجام دادیم و از اسنادی که فهرست نویسی می‌شد. البته اسناد را اولویت بندی کردیم. میکرو فیلم تهیه کردیم. میکرو فیلم به طور مکانیزه به اتاق تحقیق متصل بود و کسی که واژه‌ای یا موضوعی را نیاز داشت اصل سند را می‌دید؛ جستجو می‌کرد و اگر لازم بود به میکروفیلم متصل می‌شد و از روی آن همان لحظه پرینت می‌گرفت. این پروژه در حال حاضر عملی شده و در مورد اسنادی که میکرو فیلم از روی آن تهیه می‌شود، اسکن هم تهیه می‌شود. کار جستجو به صورت کلیدواژه‌ای و نمایه‌سازی بود، اخیراً حدود چند سالی است که سیستم جدیدی به آن ملحق شده است، به این صورت که سایت سازمان اسناد در اینترنت، به صورت آزاد جستجو می‌کند، یعنی ما همان عناوینی که عرض کردم، در ماشین ذخیره

انجام گرفته ولی هنوز جز برنامه کلی، کار خاصی انجام نشده است؛ ان شاء الله در آینده انجام می‌گیرد.

*** دهقان:** من فکرمی کنم با توجه به وقت فشرده‌ای که داریم، استفاده عملی هرچه بیشتر از جلسه ببریم و در حوزه محدودتری صحبت کنیم. مکانیزه کردن و IT در آرشیو در حوزه‌های نگهداری مواد و در دیجیتال کردن و در تولید و ارائه اطلاعات، چه کمکی می‌تواند بکند؟ این سه حوزه‌ای است که فکر می‌کنم می‌تواند به طرح‌های جدید کمک کند. بیشتر دوستان روی تولید اطلاعات صحبت کردند و به نظر من دهه ۷۰، دهه موفقی بوده؛ حال اگر چند شرکت خصوصی نرم‌افزارهایی تهیه کردند و در اختیار آرشیوها قرار دادند و بعضی از مراکز خود اقدام کرده و نرم‌افزارهایی را برای خودشان تهیه کردند، تقریباً موفق شدند که اطلاعات مدارک آرشیوی را مکانیزه کنند. این فاز، فاز اصلی است و این قدم اول است و در مرحله بعد می‌توان از فاز یک کمک زیادی گرفت. بهینه کردن و دسته‌بندی اطلاعات به ترتیب از اطلاعاتی که روزانه کارایی بیشتری دارد، آغاز می‌شود. ابتدا این‌ها دیجیتال می‌شوند و بعداً اطلاعاتی که مورد استفاده کمتری دارد. چیزی که بنظر من کمک زیادی به توسعه آرشیوها می‌کند قدم بعدی است که استفاده کننده بتواند از این منابع استفاده کند. البته من فکر می‌کنم که اطلاعات زیادی تولید شده ولی راهی برای استفاده عموم وجود ندارد. شاید نزدیک به دو دهه است که این راه در کشورهای دیگر باز شده و از طریق شبکه‌هایی که وجود داشته، محققین در مرحله اول و عموم مردم در مرحله دوم، امکان دسترسی به آرشیوها را پیدا کردند. در کشور ما این کار خیلی دیر انجام شده و هنوز هم به صورت راکد مانده و اگر بتوانیم این قدم را بر داریم، این به درآمدهای آرشیوها کمک می‌کند و آرشیوها را خودکفا و مستقل می‌کند. این نگاهی که مدیران و سازمان‌های مختلف در مورد هزینه کردن برای واحد آرشیو دارند و خیلی هم آن را جدی نمی‌گیرند، از این حالت خارج شده و آرشیو نه تنها هزینه‌های خود را می‌پوشاند، بلکه می‌تواند برای آن سازمان درآمدزا باشد. در واقع کندی روند بازاریابی و بازاریابی برای آرشیوها - که در این زمینه کار کمی صورت گرفته است و بخشی از آن به مشکلات ملی برمی‌گردد - به خاطر نبود زیر ساخت شبکه مناسب برای اطلاعات و نبود استاندارد فارسی، بعد از گذشت قرن‌ها و نبود یک سیستم یکپارچه برای ارائه اطلاعات است. اگر این قدم‌ها برداشته شود، تحول چشمگیری در آرشیو ایران خواهد بود و اگر در این مورد هم صحبتی بشود خوب است.

*** طاهری:** الان ۳ سال است که در موسسه پژوهش‌های تاریخ ادبیات کودکان ایران، در پی تهیه بانک اطلاعاتی ادبیات کودکان هستیم که تا کنون ۴ جلد آن منتشر شده است. بخشی از این مجموعه، اسناد تاریخی قدیمی است، حال چه کتاب و چه سندها و نامه‌ها و دست‌خط‌های حوزه ادبیات کودکان. در واقع بنیاد تاریخ ادبیات کودکان ایران از سال ۷۹ فعالیت رسمی‌اش را آغاز کرده و از همان سال هم ما جمع‌آوری منابع داشتیم. همه

می‌شود. شاید خیلی از دوستان مستحضر باشند. مربوط به وزارت دربار و نخست‌وزیری قبل از انقلاب است. این اسناد بعد از انقلاب تحت عنوان سازمان‌های منحل در محیطی، تا حدودی نامناسب، نگهداری می‌شد. از سال ۷۲ سازماندهی اسناد، در قالب طرح و پروژه، شروع شد. ابتدا این اسناد مورد ارزیابی قرار گرفت و مشخص شد که اسناد موجود، مربوط به وزارت دربار و سازمان‌های تابع وزارت دربار بوده و قسمت عمده سندهای نخست‌وزیری، مکاتبات نخست‌وزیر با سازمان‌هایی که با نخست‌وزیری مکاتبه داشته‌اند و یک بخش هم مربوط به اداره کل حفاظت نخست‌وزیری بوده است. این اسناد مورد ارزیابی قرار گرفت و از لحاظ درجه به اهمیت الف، ب، ج، طبقه بندی شد و به ترتیب. در واقع بر اساس اهمیتی که از سابق داشتند. کار فهرست‌نویسی و نمایه‌سازی از انتهای سال ۱۳۷۲ آغاز شد. کار فهرست‌نویسی که صورت گرفت، برای بخش نمایه‌سازی سعی شد اصطلاح‌نامه‌ای که مورد استفاده قرار می‌گیرد اصطلاح‌نامه‌ای مختص اسناد تاریخی باشد. چنین اصطلاح‌نامه‌ای قبلاً وجود نداشت و ما سعی کردیم که با استفاده از اصطلاح‌نامه‌هایی که موجود بود و تجاربی که در حین بررسی اسناد بدست آمده بود، یک اصطلاح‌نامه برای مرکز اسناد تهیه کنیم و کار نمایه‌سازی اسناد بر همان اساس آغاز شد. اطلاعاتی که وارد کامپیوتر شده است در واقع روی برنامه



نوسا و نسخه جدید آن سیم‌رغ است و در حدود ۵ میلیون برگ سند، اطلاعات وارد کامپیوتر شده و اطلاعات این اسناد قابل بازیابی هستند. این اسناد شامل اسناد وزارت دربار پهلوی اول ۱۳۰۴ - ۱۳۱۲ و اسناد نخست‌وزیری ۱۲۹۷ - ۱۳۵۷ و سازمان‌هایی که تابع وزارت دربار و نخست‌وزیری بوده می‌شود. در ادامه بحثی در زمینه استفاده از اسناد ریاست جمهوری و انتشار اسناد در قالب مجموعه‌های مختلف مطرح شد که این کار هم از سال ۷۸ شروع شد و در قالب کتاب سند در موضوعات مختلف، تحت نظر شورای نظارت بر انتشار ریاست جمهوری و شورای علمی در حدود سی جلد کتاب منتشر شد. این روند ادامه دارد؛ مجموعه جدیدی در دست اقدام است که - ان شاء الله - در آینده منتشر خواهد شد.

*** فراستی:** اگر در مورد اسکن کردن اسناد، مطالبی دارید، بیان فرمایید.

*** اسماعیلی:** در مورد اسکن کردن اسناد، کارهای مقدماتی



واقع اسناد در این حوزه موضوعی تهیه می‌شود، در حقیقت کار ما کاری ملی است و ما می‌خواهیم که شما به ما کمک کنید که به بهترین نحو کارمان انجام شود و از بین نرود.

*** فرزام:** مرکز اسناد و مدارک میراث فرهنگی از سال ۷۴ شروع به کار کرده و متأسفانه سابقه چندانی ندارد و من فکر می‌کنم که - بحمد الله - مسیری را که تا به امروز طی کرده، بیراهه نبوده است. سازمان میراث فرهنگی قبل از سال ۷۴ در مقوله کار آرشیوی کردن اسناد، تلاش و آفری را انجام نداده است. هنگامی که شروع کردیم این مرکز حتی تشکیلات مصوبی در سازمان میراث فرهنگی نداشت. فقط با یک ماده‌ای که در اساسنامه سازمان پیش‌بینی شده بود، این مرکز شروع به کار کرد. از آن زمان تا به امروز خوشبختانه موفق شدیم که هم، تشکیلات مصوبی برای مرکز داشته باشیم و هم جذب نیرو. یک دستگاه دولتی که قبلاً سابقه‌ای نداشته و کار تخصصی هم می‌خواهد بکند - برای شما مشخص است - به چه سختی می‌تواند جذب نیرو داشته باشد. حال - بحمد الله - کارها تقریباً انجام شده و الان این مرکز حدود ۴۰ پست مصوب دارد و تعدادی هم برای این پست‌ها استخدام شده‌اند. مرکز در قالب دو بخش کتابخانه و آرشیو (که ما البته مرکز اسنادی هستیم که دارای کتابخانه‌ایم) برنامه‌های خود را شروع کرد. کار گردآوری منابع در مقوله کتاب مفصل‌تر، ولی در مقوله آرشیو و مدارک تقریباً به سازمان خودمان محدود می‌شده است. باید در مقوله مدارک آرشیوی مرکز توضیح دهیم: باید بدانید که مرکز ما مرکز نگهداری مدارک اسناد علمی تاریخی نیست؛ کلاً

منابع به صورت هدایی به ما داده شده و الان من سازمان دهی آن را انجام می‌دهم. برای این کار از نرم افزار پارس آذرخش نسخه تحت ویندوز استفاده می‌کنیم. این نرم افزار هم به صورت امنی برای دو سال در اختیار ما قرار داده شده است. موسسه ما، موسسه‌ای خصوصی است. ما ضرورت‌ها و احتیاج‌ها را فهمیدیم و می‌دانیم و می‌شناسیم ولی متأسفانه مشکلات ما، مشکلات مادی است که نمی‌توانیم هم اکنون طراحی نرم افزار داشته باشیم. به هر حال از امکانات موجود استفاده می‌کنیم و رفته رفته بانک اطلاعات خوبی در این حوزه تشکیل می‌شود. ما مجموعه کتابها را از ابتدا تا سال ۵۷ کامل کردیم و الان مقاله‌ها را کامل می‌کنیم ولی بسختی حرکت می‌کنیم. تجربیات دوستان می‌تواند به ما خیلی کمک کند و واقعاً حیفاً است که منابع ما از بین برود چون تماماً بصورت هدایی به ما داده شده است.

*** فراستی:** در حقیقت هرچه که شما انجام داده‌اید روی مواد کتابخانه‌ای بانک اطلاعاتی درست کرده‌اید؟

*** طاهری:** ما کتاب چاپ سنگی داریم؛ یک نسخه خطی، سند، یک نامه یک برگی که کسی نوشته، همه اسناد تاریخی هستند. مثلاً دیروز به ما دو تا میکرو فیلم دادند؛ ما خیلی عکس داریم و از افرادی که با آن‌ها مصاحبه می‌شود هم عکس تهیه می‌کنیم و مصاحبه‌ها ضبط می‌شوند؛ حتی فیلمبرداری می‌کنیم و منابع آن‌ها را جمع‌آوری می‌کنیم، دست خطهای آن‌ها را روی پرسش‌نامه‌هایی که برای ما پر می‌کنند حفظ و نگهداری می‌کنیم، کسانی هستند که امکان دارد که سال دیگر در بین ما نباشند. در



دهقان:

در واقع کندی روند بازسازی و بازاریابی برای آرشیوها . که در این زمینه کار کمی صورت گرفته است و بخشی از آن به مشکلات ملی برمی گردد . به خاطر نبود زیر ساخت شبکه مناسب برای اطلاعات و نبود استاندارد فارسی، بعد از گذشت قرن ها و نبود یک سیستم یکپارچه برای ارائه اطلاعات است

می پردازیم.

* سمیعی: شما به چه صورت نسخ خطی را ذخیره می کنید یعنی کل تصویر نسخه را یا فقط شناسنامه آن را؟
* خانم فرزنان: الان در مرحله طراحی پایگاه هستیم و قاعدتاً به این خواهیم رسید که اطلاعات کل نسخه را بتوانیم نگهداری کنیم. البته من نمی دانم که حاضران در رابطه با نسخ خطی گرفتار باشند یا نه. در سال گذشته با فشار زیادی روی سازمان میراث فرهنگی از جانب فرانسویان، پیشنهاد شد که آنان مجری این پروژه در ایران شوند.

* فراستی: من خلاصه ای در مورد کارهایی که در موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران شده ارائه می کنم و قسمت اول بحث را جمع بندی می کنیم. همانطوری که در آغاز سخنم به عرض شما رساندم موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، کار ماشینی کردن اطلاعات را قبل از دهه ۷۰ شروع کرد. زیرا بحث اول ما ایجاد بانک های اطلاعاتی و ذخیره و بازیابی مدارک موجود است و بحث دوم دیجیتالی کردن، که حالا به صورت اسکن مورد نظر است. مؤسسه در همان ابتدای سال ۷۰ به این نتیجه رسید که به دلیل حجم زیاد، سیستم دستی، جوابگو نیست و حتماً باید کار مکانیزه را آغاز کند. وقتی که ما در کشور بررسی کردیم، متوجه شدیم تجربه ماشینی کردن اطلاعات زیاد نیست و به شکلی نیست که ما بتوانیم از تجربه داخل کشور استفاده کنیم؛ حتی نرم افزار آماده ای را خریداری کنیم. از این رو به ناچار با یک شرکت خصوصی وارد مذاکره شدیم و برای مؤسسه نرم افزاری را طراحی کردیم. این نرم افزار در حقیقت بانک اطلاعاتی بود که اطلاعات تولید شده را به آن منتقل کردیم و کار را ماشینی ادامه دادیم. این نرم افزار دو سالی برای ما خوب کار کرد ولی بعد متوجه شدیم که مدارک ما به خاطر تسریع بازیابی و صرفه جویی در وقت محقق، باید به طور مستقیم و خیلی سریع و آسان در اختیار قرار گیرد. لذا مؤسسه در ابتدای سال ۷۵ بر آن شد که بحث اسکن را داشته باشد. تجربه اسکن اسناد تاریخی در آن زمان در کشور زیاد نبود. به ناچار باز با

سازمان میراث فرهنگی پر از اشیاء یا اسناد تاریخی یا نسخ خطی است، ولی بسیاری از این ها در موزه نگهداری می شوند؛ آنچه که برای مرکز اسناد و مدارک میراث فرهنگی تعریف شده و طبق آن وظایف خود را شروع کرده و کار می کند، نگهداری مدارک علمی در زمینه موضوعی است که سازمان میراث فرهنگی در آن فعالیت می کند، مانند: باستان شناسی، مردم شناسی، مرمت و معماری بناهای تاریخی، گنجینه و گنجینه داری، زبان و گویش. بنابراین مرکز ما نگهداری کننده منابع مطالعاتی در این موضوعات است، نه اسناد تاریخی. به هر حال در پی کار سازماندهی مدارک و گردآوری منابع، آرام آرام زمینه هایی چیده شد تا شرایط اطلاع رسانی را هم داشته باشیم. از همان سال های ۷۵-۷۴ مکانیزه کردن آرشیو را شروع کردیم و خوشبختانه بانک اطلاعاتی ای داریم که چند سالی است که روی وب، در اختیار عموم است. بدیهی است نسبت مدارک موجود و مدارکی که روی پایگاه اطلاعاتی وارد کردیم نسبت زیاد جالبی نیست. با حدود ۴۰ سال کار نشده روبرو هستیم، که ان شاء الله . با این تشکیلات تازه و نوپا موفق شویم بخشی از کار را انجام دهیم. بانک اطلاعاتی که طراحی شده در واقع یک فهرستگان برای منابع میراث فرهنگی در سطح کشور است. این بانک با استفاده از نرم افزار CDSIC طراحی شده و با نام نقش جهان الان چند سالی است که از آن استفاده می کنیم.

* فراستی: نکته ای که در میراث فرهنگی وجود دارد، موزه های متعدد است؛ در کاخ گلستان عکس ها و اسناد تاریخی وجود دارد و قطعاً در آینده یکی از جاهایی که باید خط اصلی را بدهد، که آن ها کار کنند، مرکز شما باشد و در حقیقت از این جا باید مسائل شروع شود تا خود به خود وارد آرشیو تاریخی شوید.

* فرزنام: چون شما این را فرمودید باید عرض کنم که امسال پیش بینی کردیم که بانک اطلاعاتی را برای نسخ خطی هم آماده کنیم. مجبوریم که ظرف اطلاعاتی را طوری طراحی کنیم که حاوی انواع مدارکی که در سازمان میراث فرهنگی حفاظت و نگهداری می شود، باشد؛ طبیعتاً به نسخ خطی و اسناد تاریخی هم

شاه ایران از استرالیا، تصویری از بازیکنان فوتبال ایران درحال استراحت قبل از مسابقه‌ای که در استرالیا داشتند، دیده می‌شد. سیستم به شکلی طراحی شده بود که وقتی سندی را انتخاب می‌کردیم، علاوه بر اطلاعات سند، گاهی تصویر کوچکی از سند را داشت و گاهی هم نداشت، اگر تصویر را داشت. البته با حق کپی‌رایت که در همان صفحه اشاره کرده بود. اگر کاربر می‌خواست می‌توانست سفارش بدهد. فرم سفارش و تعرفه‌های آن نیز بسیار جالب بود، برای داخل استرالیا، اسناد در حالت‌های مختلف آن، بین ۱۵ تا ۶۰ دلار است. برای بیرون از استرالیا، این مبالغ ممکن است تا حدود ۵۰ دلار هم اضافه شود. تصویر اسناد به صورت الکترونیکی یا به صورت‌های دیگر سفارش داده می‌شود. خوب این سایت، به نظر سایت موفقی می‌آمد و خیلی جمع و جور طراحی شده بود و هرکس که وارد آن می‌شد، می‌توانست راهکارها را پیدا کند و با اسناد کشور استرالیا آشنا شود. البته استرالیا کشوری است که سابقه تاریخی چشمگیری ندارد و اسنادش هم اهمیت جهانی چندانی ندارد، بر عکس کشور ما که اسناد بسیار جذابی در سطح بین‌المللی داریم ولی کار موفقی را در این زمینه انجام نداده ایم. سایت دومی که خدمتتان عرض می‌کنم سایت هند است که بر عکس سایت استرالیا، به شکل بسیار ضعیفی طراحی شده بود و هیچ کار دیتابیس در آن انجام نشده بود. این گزارش اجمالی در مورد سایت‌ها و کشورهایی که در این زمینه فعالیت داشتند.

* **فراستی:** آیا در مورد آرشیو پاریس و انگلیس جنباعالی به مطالب جدیدی رسیدید؟

* **سمیعی:** بله، آرشیوهای بسیار مفصلی داشتند؛ هر کدام از ایالت‌های آمریکا برای خود سایت آرشیوی مجزا داشتند. من دیگر وارد آن بحث نشدم منتها همه سایت‌ها اسناد را ارائه نمی‌کردند، بعضی این امکان را داشتند و بعضی هم فقط اطلاعات اسناد و بعضی دیگر هم فقط اطلاعات سازمانی را در اختیار می‌گذاشتند. منتها حضور جدی روی اینترنت داشته باشند.

* **فراستی:** متشکرم، حال اگر آقای دهقان با توجه به اینکه کارشناس IT هستید اگر مطلبی به نظرتان می‌رسد بفرمایید؟

* **دهقان:** ابتدا آماری را خدمتتان عرض کنم: درآمد حاصل از فروش سالانه اسناد موجود در کتابخانه ملی انگلستان. مطابق برخی گزارش‌های مستند. از درآمد فروش سالانه کل نفت ما بیشتر است. یعنی بیش از بیست میلیارد دلار در سال. این نشان‌دهنده این است که دسترسی به آن خیلی راحت است. شما وقتی وارد سایت شوید و سند را جستجو می‌کنید، اگر چند مراجعه داشته باشید، راهنمای هوشمندی که روی سیستم کار گذاشته شده به صورت خودکار برای شما ایمیل ارسال می‌کند و به شما می‌گوید که شما ظاهراً در این زمینه جستجو می‌کنید و ما این مدارک را در

یک شرکت خصوصی. که اطلاعات قابل توجهی در مورد اسکن کردن داشت. وارد مذاکره شدیم و آن اسناد را اسکن کردند. ضمناً بانک اطلاعاتی را هم تعریف کردند، به گونه‌ای که ما ظرف دو سال نزدیک یک میلیون و نهصد هزار تصویر از اسناد تهیه کردیم. نرم‌افزار مورد نظر هم، ظرف دو سال به صورت موازی که کار اسکن انجام می‌شد طراحی شد و موفق از آزمایش بیرون آمد. در کشور مشکلاتی وجود دارد؛ بعضاً مباحث بودجه باعث می‌شود که بعضی از کارها به تعویق بیفتند، اما ما با همه مشکلاتی که داشتیم این نرم‌افزار را در این دهه خوشبختانه عملیاتی کردیم. هم اکنون این نرم‌افزار قابل استفاده است؛ بعضی از همکاران در سازمان‌های دیگر مطلع هستند. همانطور که جناب دهقان فرمودند، من هم فکر می‌کنم دهه هفتاد به دلیل این که سازمان‌ها با هم نزدیک بودند، یعنی از هم‌دیگر اطلاع داشتند، پیوندهایی بود مخصوصاً که جلساتی بنام مهتا در مراکز اسنادی کشور تشکیل می‌شد، نسبتاً موفق بودیم. در یکی از جلسات که خود من هم حضور داشتم، بحث ماشینی کردن اطلاعات بود، حد اقل ۵ سازمان آرشیوی در آن جلسه بودند و اطلاعات را با هم تبادل می‌کردند. همین باعث شده بود که گام‌های بعدی را برداریم. چون اساساً در این دهه تب کامپیوتر در کشور بود، ولی ما به عنوان سازمان آرشیوی دچار تب نشدیم و بنا به نیاز با آن برخورد کردیم. اطلاعاتمان را در مرحله اول در بانک‌های اطلاعاتی ذخیره کردیم و همانطور که آقای کشاورز و خانم مهندس فرزام فرمودند بحث اسکن را به نحوی، هر کدام در سازمان‌های خودمان با حجم‌های متفاوت داشتیم.

* **فراستی:** در ادامه افزود: موضوع دوم ما بحث نمونه‌هایی از کشورهای موفق در این عرصه است، اگر اجازه بفرمایید من این بحث را باز می‌گذارم تا هرکدام از همکاران گرامی اطلاعات خود را در این زمینه بفرمایند.

* **سمیعی:** من یک سرچ ابتدایی در اینترنت کردم؛ در گوگل دو کشور آمریکا و انگلیس، برای خود کاتگوری (شاخه) ویژه داشتند؛ یعنی در مورد انگلیس ۴۳ سایت آرشیو فعال و در مورد آمریکا ۵۸ سایت وجود دارد. برای همین، شاخه ویژه‌ای داشتند. کشورهای دیگر هم سایت‌های مختلفی داشتند. استرالیا از کشورهای موفق بود، کانادا، اتحادیه اروپا، ایرلند، روسیه، آفریقای جنوبی، زلاندنو، نامیبیا، اتریش، گرینلند، هند، دانمارک و سنگاپور هم از کشورهایی بودند که سایت‌های آرشیوی داشتند. من از بین این سایتها دو نمونه را مطالعه کردم و سعی دارم که خیلی سریع آن دو را معرفی کنم. نمونه موفق و جالبی که مشاهده کردم، سایت اسناد استرالیا بود که آدرس آن «www.naa.gov.au» است. در این سایت اطلاعات اسناد قابل جستجو است. به عنوان مثال، من واژه ایران را جستجو کردم و ۱۱۰ سند در این مورد پیدا کردم. در این اسناد که ورق می‌زد، چیزهای جالبی مثل: ملاقات



را در نظر گرفتند. متأسفانه من فکر می‌کنم در کشور ما، آن اصول در طبقه‌بندی اسناد صورت نگرفته که ما بتوانیم سندهایی که از جهات مختلف برای منافع ملی ضرر داشته باشد، در دسترس همگان قرار دهیم.

* **فراستی:** برخی مباحثی که فرمودید مربوط به بخش بعدی است، که آقای دهقان هم بخشی از آن را فرمودند، من خواهش می‌کنم از آقای کشاورز با توجه به این که از کشورهای مختلفی هم بازدید داشتند، آگاهی‌هایی از آرشیو خارج از کشور دارند، در زمینه تجربیات آنان در مسئله ماشینی کردن اطلاعات توضیح دهند.

* **کشاورز:** من در مورد اینترنت، در آرشیو انگلیس (Office PRO (Public Record که به نام آرشیو ملی شناخته می‌شود. نکته جالبی را دیدم و لازم است که خدمت شما عرض کنم؛ در مرحله اول وقتی وارد سایت آن‌ها می‌شوید فهرست‌گان می‌دهند، همانطور که آقای سمعی فرمودند که ایران را خواستند، من هم «ایران» را سرچ کردم و خیلی جالب بود که چند مورد آدرس مراکز آرشیوی دیگر را به من دادند، ضمن این که موضوع سند را می‌دادند تمام مراکز آرشیوی و حتی غیر آرشیوی که در مورد «ایران» سند فهرست شده داشتند، یک جا می‌بینید. به نظر من در وهله اول باید کار این مجموعه یک تفاهم کلی در کشور باشد، که ما ابتدا در زیر ساخت ماشینی کردن - که تنظیم اولیه

زمینه مورد علاقه شما داریم. به این صورت که رباط هوشمندی در آنجا نصب شده است، برای این که وقتی شما سرچ می‌کنید، به طور کامل شما را راهنمایی کند. در واقع سیستم‌های خبره، وارد جستجوی آرشیوها شده که ما هنوز در مورد این سیستم‌ها، فکر هم نکرده‌ایم؛ بخاطر محدودیتهایی که روی تشخیص زمان داشتیم.

* **اسماعیلی:** سایت‌های اینترنت و اطلاعاتی که از اسناد کشورهای مختلف ارائه می‌دهند، شاید به پیشرفت و کارهایی که قبلاً انجام داده‌اند برگردد. در واقع طبقه‌بندی که از سال‌ها پیش در مورد اسناد صورت گرفته است. شما اگر در مورد اسناد ما در سطح کل کشور بخواهید عمل کنید، در مورد طبقه‌بندی اسناد، دچار مشکل می‌شوید. آن اسنادی که ممکن است ارائه آن‌ها به منافع ملی ما آسیب برساند، هنوز در کار فهرست‌نویسی و نمایه‌سازی تفکیک نشده‌اند. اگر بخواهیم این کار را انجام دهیم و به سایت‌های اینترنت هم بدهیم، ایجاد مشکل می‌شود. منتها در انگلستان و در کشورهای دیگر از سال‌ها قبل - چون آرشیوهای قوی دارند و کارهایی که ما الان در مورد فهرست‌نویسی و نمایه‌سازی انجام می‌دهیم، قبلاً انجام داده‌اند - مشکلات حل شده است. برای مثال، اخیراً اسناد کودتای ۲۸ مرداد را که این گونه مطالب در آن مطرح بوده، آزاد کردند و در حقیقت وقتی به صلاح خودشان نبود در اختیار قرار ندادند و در سایت‌هایشان نیز این کار

* **فرزام:** من در این زمینه نکته خاصی بنظرم نمی‌رسد. منتها احساس کلی من این است که ما هر کدام تجربیاتی داشتیم و الان می‌خواهیم روی این سرفصلها حرکت کنیم، ولی درد دل‌های مفصل‌تر از این هم وجود دارد. البته این احساس عمومی من از جلسه است.

* **فراستی:** البته آگاهی از کشورهای دیگر به ما در جهت پیشرفت در آینده کمک می‌کند، ولی - همانطور که آقای کشاورز هم فرمودند - ابتدا باید مسائل مختلف داخلی کشور را بررسی کرد و براساس آن‌ها تصمیم گرفت. با توجه به این که بحث فروش الکترونیکی اسناد بحث سوم ما است، پس ما عملاً دوم و سوم را باهم مطرح کردیم. به خصوص بعضی از آقایان فرمودند که اساساً ما فکر فروختن اطلاعات بر روی اینترنت باشیم. البته این بحث زیرساخت است و بحث یک نظام هماهنگ است؛ اجازه بفرمایید در این مورد بحث کنیم. در بحث زیرساخت، سر کلاس‌های درس همیشه به ما گوشزد کردند و از آن زمانی که ما کارمان را بصورت علمی و عملی آغاز کردیم، جزو آمال ما بوده که یک نظام ملی اطلاع‌رسانی، حداقل در حوزه کتابداری و آرشیو داشته باشیم. این بحث، بحثی مفصل در کل کشور است و در همه زمینه‌ها باید وجود داشته باشد؛ در واقع، این هماهنگی‌ها باید از قبل وجود داشته باشد و سازمان‌ها انگیزه و رغبت داشته باشند که اولاً به سمت ماشینی شدن بیایند، ثانیاً این امکان باشد که اساساً یکدست، کارها پیش برود. ما اصلاً در نظام ملی اطلاع‌رسانی بحث‌مان هیچگاه تمرکز فیزیکی نیست، بحث در مورد تمرکز اطلاعاتی است. جناب آقای کشاورز هم اشاره فرمودند وقتی که در «PRO» جستجویی می‌شود در آرشیو انگلیس، اساساً بحث بر سر این است که این اسناد در کجا وجود دارد و ما امیدواریم در داخل کشور، در این مرحله موفق شویم و به نتیجه برسیم. البته من عرض کردم، در آن جلساتی که بنام مهنا داشتیم، بحث بود که ما یک نرم‌افزار ملی داشته باشیم، یا نه، اساساً روش یا سیستم یکدستی داشته باشیم با وجود نرم‌افزارهای مختلف، تا بتوانیم اطلاعات را یکدست‌سازی و تبادل کنیم و تمرکز در یک نظام شبکه‌ای داشته باشیم. الان بحث واقعاً همین است که ما بتوانیم سازمان‌ها را در جهتی پیش ببریم که این تمرکز را بتوان ایجاد کرد. بعداً بحث طبقه‌بندی را مطرح کنیم، چون وقتی بحث طبقه‌بندی می‌شود، از حوزه ما خارج می‌شود.

* **دهقان:** من برای این که این قسمت را توضیح دهم باید در مورد دیجیتال شدن، توضیح کوچکی دهم. دیجیتال کردن مدارک، اگر با نگرش نگهداری مدارک است، کار درستی است، ولی اگر با نگرش ارائه مدارک است، کاری اشتباه است. فرض کنیم که آرشیو صدا و سیما، برای نوارها، فیلم‌ها و اسنادش - که به مرور زمان از بین می‌رود - تصمیم به دیجیتال کردن دارد، این کار درستی است.

فهرست‌نویسی است - به وحدت رویه برسیم، تا این امکان ایجاد شود که بتوانیم فهرست‌گانی تهیه کنیم با روشی یگانه و همه مراکز به هم متصل شوند. آرشیو کانادا را هم که روی سایت اینترنت دیدم - ضمن این که بسیار مفصل در مورد خودشان توضیح می‌دهند - بخش‌های مختلفی در رسانه‌های مختلف و مواد آرشیوی مختلف آن جدا می‌شوند. من همین چند روز قبل که روی تمبر مطالعه‌ای داشتم، مشاهده کردم که روی تمبر، مفصل کار کرده‌اند، در حالی که ما با بسیاری از آرشیوهای ملی خودمان مکاتبه کرده بودیم و جواب داده بودند که تمبر اصلاً جزء سازمان کاری ما نیست. در مورد تجربه کشورهای دیگر، من یک نکته کلی را عرض می‌کنم و لازم است که مد نظر باشد و آن این است که بسیاری از کشورها در کل، به اطلاعات اهمیت به سزایی داده‌اند. من در گزارشی می‌خواندم که حدود بیست سال قبل، آقای ماهاتیر محمد در بودجه‌ریزی کلی مالزی، به بودجه بخش ارتباطات و اطلاعات بسیار توجه داشته‌اند، که ما الان شاهد رشد خوب آن هستیم. حتی دیده‌ام که بودجه آموزش و پرورش را کم کرده‌اند و به بخش اطلاعات اضافه کردند. برای همین است که ما احتیاج به کار زیربنایی و فرهنگی داریم، که اصلاً به اطلاعات و اسناد بها دهیم. الان فرهنگستان «آرشیو» را به «بایگانی» معادل‌سازی کرده، در حالی که این واژه درستی نیست، یعنی ما این قدر بی‌توجهی در بخش آرشیو و اطلاعات کشور در سطوح مختلف داریم، حتی در سطوح بالا که اصلاً توقعی نیست! به نظر من باید ایجاد فرهنگ و توجه بیشتر به بخش اطلاعات و به خصوص اسناد، صورت بگیرد که یک همت ملی می‌خواهد. ما در مورد کشورهای موفق باید توجه بیشتری کنیم. این طور نیست که هر جا کارهایش را دیجیتالی کرده است، موفق شده باشد. خیلی‌ها شاید ترجیح می‌دهند که اسناد را بصورت دستی مشاهده کنند و ما نباید بی‌گدار به سمت ماشینی شدن پیش برویم. به ویژگی‌های فرهنگی و زیرساخت‌های خودمان توجه کنیم؛ رفتاری‌ای که آقای اسماعیلیان اشاره کردند الان در کشور جدی است، ما نمی‌دانیم که کدام سند محرمانه و کدام عادی است، بحث‌های مختلف سلیقه‌ای زیاد است. در کشورهای دیگر بنا به تجربیاتشان، واگذار کننده سند یا صاحب اولیه آن، تعیین می‌کند که این سند محرمانه است و برای آن محدودیت زمانی ایجاد می‌کند، ولی متأسفانه این مراحل در کشور ما انجام نشده است. بسیاری از ناهنجاری‌های دیگری که اسناد در مراحل تولید داشته است، وقتی که به مرحله دیجیتال کردن می‌رسد، خودش را نشان می‌دهد. به هر حال این بحثی است که باید باز باشد تا متخصصین در این زمینه تصمیم بگیرند.

* **فراستی:** بعد از تشکر از آقای کشاورز از خانم مهندس فرزام درخواست کردند که اگر مطلبی در این زمینه دارند بفرمایند.

که احتیاج به تمرکز ندارد. هر سازمان بنا به درخواست‌ها و نیازها و امکاناتش، نرم‌افزار وسخت‌افزار را تهیه می‌کند و خوشبختانه پروتکل اینترنت، پروتکلی همگانی است؛ هرکدام از نرم‌افزارها که قابلیت داشته باشند با پروتکل‌های اینترنت با شبکه ارتباط برقرار کنند، مشتریان می‌توانند به آن‌ها دسترسی پیدا کنند. ولی اگر بخواهیم روی سیستمی فکر کنیم که یکپارچه تمام کشور از آن استفاده کنند، در هیچ جایی از دنیا این کار نشده و شاید برای ما هم به صلاح نباشد.

*** فراستی:** منظور من از تمرکز این نبود که الان سیستم جدیدی را تعریف کرده و براساس آن کار کنیم، منظور این است که این امکان بین سازمان‌های تولیدکننده اطلاعات وجود داشته باشد که به اطلاعات یکدیگر دسترسی داشته باشند، طبق فرمایش جنابعالی، از طریق اینترنت می‌توان این کار را کرد؛ الان سازمان‌ها راغب هستند که بانک‌های اطلاعاتی خود را در اختیار اینترنت قرار دهند و دسترس پذیری آن را کمی عمومی کنند، این امکان دسترسی به اطلاعات آرزوی است که ما داریم. من از فرمایش شما این استفاده را می‌کنم که در مورد فروش الکترونیکی اسناد، دو بحث وجود دارد یکی آن که در ابتدا ما بانک‌های اطلاعاتی خود را به صورت علمی توسعه دهیم، یعنی امکان دسترسی به اطلاعات را فراهم کنیم و بعد بحث فروش را داشته باشیم. الان در حقیقت به مشتری یا مراجعه‌کننده بگوییم که اگر شما اطلاعاتی را می‌خواهید ما در مقابل پرداخت هزینه، این اطلاعات را به شما خواهیم داد. فکرکنم مسئله‌ای که شما با آن مخالفت کردید این است که بعد از این که ما بانک اطلاعاتی را ایجاد کردیم، قرار نیست که اطلاعات حتماً به صورت اسکن شده در اختیار مراجعه‌کننده قرار گیرد.

*** دهقان:** منظور این است که اولویت آن، اولویت اول نیست. در مرحله اول اگر بودجه را صرف تکمیل اطلاعات کنیم و بحثی که دوستان داشتند و خیلی هم اساسی است و ما در تلویزیون نیز با آن برخورد کردیم، طبقه‌بندی اطلاعات است. فرض کنید که ما اسکن هم کردیم ولی حالا نمی‌دانیم که به چه کسی باید آن را بدهیم. مقصود من آن است که هرچقدر می‌توانیم باید روی اطلاعات سند کار انجام دهیم، وقتی این کار انجام شد بعد از آن برای مشتریان آرشو هزینه کنیم تا با آرشو ارتباط برقرار کنند؛ البته این کار آسانی نیست و الان تنها یک صفحه مادر (Page Home) داشتن، موجب برقراری ارتباط نمی‌شود. بعضی از مراکز هستند که به آن‌ها ایمیل می‌زنیم و باید تلفنی با آن‌ها تماس بگیریم که چرا ایمیل‌ها را پاسخ نمی‌دهید. ولی اگر سایت متناسب راه‌اندازی شد و ارتباط با مشتری برقرار شد، حالا ما باید امکان فروش را ایجاد کنیم، یعنی تجارت الکترونیک، با کارت‌های معتبر دنیا کار کنیم، از بانک‌های داخلی بخواهیم که امکان خرید

با برنامه‌ریزی در مورد این که هر آرشویی عمر مفیدی دارد و در چه زمانی باید این‌ها را دیجیتال کرد، به سوی دیجیتال کردن مدارکش برود، زیرا حفظ مدارک دیجیتال راحت‌تر و مطمئن‌تر است تا مدارک غیر دیجیتال. اما اگر نگرش، ارائه این مدارک به کاربران است، این کار به نظر من کار اشتباهی است و هزینه بسیار سنگین و هنگفتی دارد و هیچ فایده‌ای ندارد. شاید این نگرش، در دو دهه قبل، زمانی که بحث IT در دنیا خیلی داغ شد؛ که همه چیز در داخل و خارج سازمان را مکانیزه کنیم و دسترسی داشته باشیم، موجه می‌نمود. اما با رشد اینترنت، این نگرش به طور کل عوض شده و به این سمت آمده که اطلاعات را به دست مصرف‌کننده برسانیم. از این پس من لغت مشتری را بکار می‌برم و فکر می‌کنم که در بحث آرشو هم مخاطبین را به عنوان مشتری ببینیم. یعنی بحث مشتری محوری که در کل مدیریت مطرح شده و در زمینه تجارت الکترونیکی، مشتری به عنوان یک محور است. الان می‌گویند که شما اگر بودجه دارید و این بودجه را می‌خواهید صرف مکانیزه کردن کنید، هر قدر می‌توانید این بودجه را صرف کنید تا مشتری به شما دسترسی پیدا کند، محصول و کالای شما را بشناسد و بعد اگر پولی اضافه آمد خرج دیجیتال کردن داخل سازمان کنید و اگر اضافه نیامد به همان صورت دستی بسنده کنید. ضرب المثلی در تجارت الکترونیک است که شما اگر پولت تمام شد، مهم نیست، آن کالا را دستی بگرد و پیدا کن و به دست مشتری برسان؛ ولی تمام پولت را خرج کن تا مشتری به تو برسد، چون رقابت در سطح جهان است. در آرشو، هم به همین صورت است، ولی ما برعکس، راه دسترسی مشتریان را - که پژوهشگران، محققان و عموم مردم هستند - بستیم، حالا در داخل سازمان همه چیز را دیجیتال می‌کنیم. در صورتی که اگر ما همه اسناد را اسکن کردیم، از میان میلیون‌ها سند دیجیتال شده، مگر چند تا از آن‌ها استفاده می‌شود؛ ما این راه را برای محققان باز بگذاریم، درخواست پُست و آن‌لین کنند و وقتی رسید به این که فلان عکس در این آرشو وجود دارد، لزومی ندارد همان جا کلیک کند و عکس را بگیرد، این قدم بعدی است. اگر به این رسید که این سند در اینجا موجود است، می‌تواند درخواست خودش را بدهد، درخواست به طور الکترونیکی، فوری به دست آرشو می‌رسد و آن‌ها اقدام برای کپی، ایمیل و یا اسکن و... می‌کنند و در اختیار مشتری قرار می‌دهند. ولی در کشور این کار، اشتباه شده و یک مسیر را بیهوده طی می‌کنیم و برای ارتباط با مشتری هیچ کاری نکردیم. به نظر من تمرکز روی اطلاعات، جمع‌آوری اطلاعات در مورد سند و تهیه دایرکتوری‌ها و تزاروس‌ها بسیار مهم است و بعد طراحی سایت‌هایی که مخاطبان و مشتریان آرشو بتوانند با آرشو ارتباط برقرار کنند. نکته دیگر در مورد فرمایشی که شما در مورد تمرکز داشتید؛ من با آن مخالف هستم و فکر می‌کنم که IT حوزه‌ای است



فتح الله کشاورز:

حدود بیست سال قبل، آقای ماهاتیر محمد در بودجه ریزی کلی مالزی، به بودجه بخش ارتباطات و اطلاعات بسیار توجه داشته اند، که ما الان شاهد رشد خوب آن هستیم. حتی دیده‌ام که بودجه آموزش و پرورش را کم کرده‌اند و به بخش اطلاعات اضافه کردند. برای همین است که ما احتیاج به کار زیربنایی و فرهنگی داریم، که اصلاً به اطلاعات و اسناد بها دهیم

این جا منتهی می‌شود که ما در کشورمان زیرساختهای ابتدایی را نداریم و هر وقت بخواهیم در بحث جدیدی وارد شویم متوجه کاستی‌ها می‌شویم. حال ما می‌توانیم در مقابل این کاستی‌ها دو برخورد داشته باشیم. برخورد اول این که به صورت منفعلانه با مشکلات برخورد کنیم؛ این حالتی است که تا به حال بوده و مشکلات هرگز حل نمی‌شوند. مثلاً همین مشکلاتی که در مورد اسناد داریم، فکر می‌کنید اگر ما به همین روال پیش برویم تا چند سال بعد مجلس و بزرگان ما می‌توانند که طبقه‌بندی اسناد را در قانون مطرح کنند، به صورتی که بعدها برای کسی مشکل ایجاد نکند و اسناد ملی ما مانند بقیه جاها ارائه شود. حتی امکان دارد توصیف یک سند محرمانه تلقی شود. اگر ما بخواهیم این روال را طی کنیم اینقدر مسائل مهم در صف داریم که به آن نمی‌رسیم و کشور جوابگو نیست. ولی باید یک روال فعال نه منفعل در مقابل داشته باشیم، حالا جالب است که من نمونه‌ای را برای شما بگویم در مسئله کپی‌رایت که اتفاقاً به مسئله سند هم مربوط می‌شود، ما نشست‌های فراوانی داریم، حتی ناشران ما در کشورها و نمایشگاه‌های مثل نمایشگاه فرانکفورت شرکت جدی برای خرید و فروش کپی‌رایت دارند، اگر کمی در این مطلب دقت شود، خنده‌آور است، چون ما اصلاً کپی‌رایت را قبول نداریم و جزو کنواکسیون‌های کپی‌رایت نیستیم، ما این سیاست را پیش گرفتیم به خاطر این که بحث را فعال کنیم تا قانونی شود. یعنی اگر در همه کشورهای دنیا هم ببینید روال قانون‌گذاری بعد از ورود به عرصه است. تا ما وارد عرصه اطلاع‌رسانی آرشیو نشویم، تا فعال نشویم و تا این کمبود احساس نشود، هیچ قانون‌گذاری روی آن صورت نمی‌گیرد. هر قانون‌گذاری، مرحله تئوری و مرحله احساس نیاز را می‌خواهد. ما در بحث آرشیو و اسناد بهتر است هیچ‌وقت به مشکلات به دید منفعلانه نگاه نکنیم و وارد عرصه شویم. در خصوص فروش اسناد، فروش هم برای مدیران شبکه جذابیت دارد و - همانطور که مهندس دهقان فرمودند - در حقیقت بخش آرشیو را از بایگانی سنتی خارج می‌کند و به یک بخش زنده، فعال، پویا و درآمدزا تبدیل می‌کند. اگر ما وارد کار شویم، تمام

و فروش اسناد را از طریق کارت‌های ملی - ملی کارت یا کارتهای دیگر - فراهم کنند، امنیت آن‌ها و امضای الکترونیک را درست کنیم و اگر بحث اطلاعات طبقه‌بندی شده است بحث امضای الکترونیک را داشته باشیم. بنا به فرض اگر من به سایت ریاست جمهوری متصل می‌شوم و سند محرمانه‌ای را می‌خواهم و خودم را معرفی می‌کنم، آیا امضای من در سیستم آقایان شناخته شده است تا آن اطلاعات را به من بدهند. الان این‌ها در کشور هیچ‌کدام انجام نشده ولی این بمعنای آن نیست که ما کاری نمی‌توانیم انجام دهیم، می‌توانیم. آرشیو می‌تواند خود بانک اطلاعاتی را طبقه‌بندی کند آن قسمتی که امکان ارائه آن است و محرمانه نیست، لاقلاً آن قسمت را در اختیار بگذارد، بحث امکان خرید مشتری و خرید سند را فراهم کند و وقتی این فراهم شد به صورت دستی می‌توان اطلاعات را به مشتری رساند و اگر دیجیتال شود چه بهتر! ولی فکر می‌کنم نباید اولین فاز باشد.

* سمیع: فرمایشات آقای دهقان برای من خیلی جالب بود. مرحله اسکن که مرحله پرهزینه و زمان‌بری است، در صورت تقاضا انجام دهیم. سایتی که من در مورد آرشیو استرالیا توضیح دادم، چنین حالتی داشت. بسیاری از مدارک و اسناد آن تصویر داشت و بعضی هم نداشت. من حدس می‌زنم آن‌هایی که به دستور مشتری اسکن شده بود، وقتی تصویر دیجیتال موجود بود روی سایت قرار می‌گرفت تا بقیه هم ببینند. مثلاً سئوالی که من از خانم مهندس فرزام کردم، این بود که شما می‌خواهید تصویر کامل نسخه خطی را روی اینترنت داشته باشید؛ شما تصور کنید ما این همه نسخه خطی داریم، اگر بخواهیم صفحه به صفحه اسکن و ذخیره کنیم، که روزی کسی مشتری باشد و آن را بخواهد، سیاست غلطی است. در صورتی که اگر ما تمام اطلاعات نسخه‌ها را داشته باشیم و در آن امکان سرچ باشد و هر موقع تقاضایی به ما رسید که کسی این نسخه را احتیاج دارد، با پول خود مشتری اسکن کنیم، بعداً این تصویر سرمایه‌ای برای ما است، در حالی که هزینه آن را هم از اولین مشتری گرفته‌ایم. نکته دیگری که باید مطرح کنم در بحث‌های IT و دیجیتال کردن، معمولاً همه بحث‌ها به

کسانی که در طبقه‌بندی و قانون‌گذاری مسئولیت دارند، به ما کمک می‌کنند، ولی اگر کنار بایستیم هیچ وقت نوبت ما نمی‌شود. این دو نکته‌ای بود که به نظر من رسید.

*** طاهری:** در مورد اسکن کردن مدارک من حساسیت بیشتری روی این قضیه دارم. بعضی از اسناد در حال از بین رفتن هستند و ما نمی‌توانیم صبر کنیم تا کسی درخواست بدهد تا ما آن‌ها را اسکن کنیم. ما در بعضی از جاها مراجعه کننده به مراکز اسناد هستیم، چه اسناد ملی و چه مراکز دیگر، گاهی اوقات بر اساس نبود اسکن از مدرکی که مهم است و مرکز نتوانسته است که در اختیار ما قرار دهد، ما کارمان مانده و تهیه اسکن خیلی سخت بوده است. من گاهی احساس می‌کنم در جاهایی باید اسکن کردن صورت گیرد، مخصوصاً از طرف مراکز اسناد ملی، این هزینه باید در حال حاضر در اختیار گذاشته شود و اسکن شود، چون منابع از بین می‌روند و تا چه زمانی این حفاظت و مرمت می‌تواند روی این منابع جواب بدهد. قضیه سازماندهی و ذخیره، مدت‌ها است که مطرح شده و به نظر، مراکز ضرورت آن را می‌دانند و فکر می‌کنم که این کار مدت‌هاست که انجام شده است، مگر در مورد مدارکی که جدیداً به دست مراکز رسیده باشد، وگرنه همه مراحل اولیه سازماندهی را انجام داده‌اند و الان مرحله ارائه است. به نظر من مراکز دولتی و ملی باید مراحل اسکن را شروع کنند، علی‌رغم این که درخواستی برای آن‌ها باشد یا نباشد. ما در مرکز خودمان باید این کار را شروع کنیم، منابع ما دست می‌خورند فوت می‌شوند. حتی اگر پژوهشگری بخواهد از این منابع استفاده کند، من در اختیارش قرار نمی‌دهم، اول از آن اسکن تهیه می‌کنم یا کپی یا اگر نتوان کاری روی آن‌ها انجام داد عکس می‌گیرم، بعد در اختیارشان قرار می‌دهم. من این را اشتباه نمی‌دانم.

*** دهقان:** جواب دادند: من همانطور که گفتم، اگر به نگه‌داری برمی‌گردد اسکن کردن کاری درست است ولی اگر به ارائه اطلاعات برمی‌گردد کاری اشتباه است.

*** طاهری:** اضافه کرد: با این کار هم شما مدارک و اسناد را حفظ می‌کنید و هم آن‌ها را ارائه می‌دهید، باید این را خدمت شما عرض کنم که چرا کشورهای دیگر در حوزه موضوعی ایران - که ممکن است صنایع دستی، ادبیات و غیره باشد - کمتر وارد می‌شوند. آن‌ها نمی‌توانند اطلاعات ما را با سرعت مورد نظرشان، جمع‌آوری کنند، اگر بخواهند موضوعی در حوزه ایران بگیرند، به قدری سخت منابع در اختیارشان قرار می‌گیرد که از خیر آن می‌گذرند. ما خیلی موضوعات علمی داریم که کشورهای دیگر و پژوهشگران می‌توانند روی آن کار کنند که بعدها می‌توانیم از آن استفاده کنیم، ولی طرف کشور ما نمی‌آیند، چون از طریق دیجیتال و وب آن‌لین، اصلاً نمی‌توانند به منابع ما برسند، بنابراین روی سایت‌های هند می‌روند و سرچ می‌کنند و روی

موضوعات ملی آنان کار می‌کنند، چون خیلی راحت منابع در اختیارشان قرار می‌گیرد. مراکز دولتی و ملی باید کمی راجع به این موضوع، حساستر باشند و این مرحله را سریع‌تر طی کنند. ما امیدواریم مرحله سازماندهی را در دهه ۶۰ و یا حداقل تا نیمه‌های دهه ۷۰ طی کرده باشند و با استفاده از قواعد فهرست‌نویسی انگلوآمریکن استانداردها را یافته و به مسائلی که به صورت خاص در حوزه و منابع ما مطرح شود، رسیده باشیم.

*** دهقان:** بحث طبقه‌بندی اطلاعات یک بحث زیربنایی است که مشمول بحث ما می‌شود، الان صدا و سیما، فرض کنید که کل آرشیوها و اطلاعاتش را وارد کرده ولی هنوز نمی‌تواند که در اختیار کسی قرار دهد، چون طبقه‌بندی نشده، حالا باید طبقه‌بندی را انجام دهد یا دیجیتال کند؟ اگر دیجیتال هم کند باز اطلاعات را به شما تحویل نخواهد داد.

*** اسماعیلی:** در زمینه ماشینی کردن اطلاعات، دو بحث مطرح است، مخصوصاً اسناد تاریخی که ما بیشتر با این نوع اسناد کار داریم، حفظ و نگهداری و دیگری سرویس دهی است، تا هنگامی که پژوهشگری برای تحقیقش مراجعه می‌کند، بتواند به سرعت به اطلاعات مورد نظرش دسترسی پیدا کند. در زمینه طبقه‌بندی، ساماندهی، فهرست‌نویسی و نمایه‌سازی که برای اسناد صورت می‌گیرد، کارهای زیادی انجام شده، ولی متأسفانه با این احوال هنوز هم اسنادی در کشور موجود است که سازماندهی روی آن صورت نگرفته است. این اصل مهمی است که در مرحله اول این اسناد سازماندهی شود تا پژوهشگران بتوانند از آن استفاده کنند، حتی از دوره قاجار، هنوز اسنادی هست که فهرست نشده تا دسترسی موضوعی روی آن‌ها امکان پذیر باشد. در بحث اسکن هم، روی اسناد، طبقه‌بندی یا درجه‌بندی صورت می‌گیرد، مثل الف، ب، ج، این را می‌توان برحسب اهمیت اسناد در نظر بگیریم و سندهایی را که مهم هستند و در معرض آسیب هستند یا از قبل آسیب‌هایی به آن‌ها وارد شده است، در الویت قرار دهیم و اسکن تهیه کنیم و سندهایی که بعدها مراجعه به آن‌ها صورت می‌گیرد - همانطور که شما فرمودید - با سفارشی که صورت می‌گیرد، آن کار انجام شود و هزینه‌ای هم به مراکز اسناد تحمیل نشود.

*** فراستی:** به نظر می‌رسد که حرف‌ها با هم تناقضی ندارد و اگر ما یک تقسیم‌بندی را انجام دهیم و بگوییم که در یک سازمان سندی وجود دارد و این سند دارد از بین می‌رود برای حفظ سند، آن را اسکن می‌کنیم. برای مثال ما فتوکپی‌هایی داریم (قبل از بحث زیراکس، فتوکپی بود) که عمر محدودی دارند و ما اسنادی داریم که اصلشان فتوکپی است و اگر زودتر به داد آن‌ها نرسیم از بین می‌روند، اگر با این هدف که می‌خواهیم اسناد را حفظ کنیم - نه با این سیاست که سازمان ما بخواهد در آینده اسناد را در اختیار پژوهشگران بگذارد - این‌ها را اسکن کنیم، کار درستی انجام

داده‌ایم. ولی اگر سازمانی حجم مدارکش خیلی زیاد باشد و بخواهد همزمان با سازماندهی، اسکن هم انجام دهد، ممکن است که از نظر بودجه سازمانی این امکان وجود نداشته باشد، اما اگر من به عنوان مراجعه کننده به آنجا مراجعه کنم و بگویم که من بانک اطلاعاتی شما را دیدم، درخواستی دارم، حال از طریق ایمیل و یا به صورت دیگری بگویم که من از چند عکس و یا سندهای شما یک نسخه می‌خواهم، با شرایطی آن را من بدهید، در اینجا اگر اسکن نکرده باشند، فرمایش ایشان این بود که حالا می‌توانند اسکن کنند و به او تحویل دهند. حال اگر اجازه بفرمایید وارد بحث چهارم شویم. خوشبختانه صحبت‌هایی در دو بحث قبلی مطرح شد در اینجا هم به نحوی مطرح خواهد شد، شاید این سه بحث خیلی به هم پیوسته بود. احساس من این است وقتی در تزاروس بحث می‌کنیم خودش را بیشتر نشان می‌دهد. بحث چهارم تولید ماشینی تزاروس است. همه ما در بحث سازماندهی، کارهایی را انجام داده‌ایم و سازمان‌های دیگری که حضور ندارند. البته به دلایلی که خودشان نتوانسته‌اند بیابند. کار سازماندهی را یکی دیرتر و دیگری زودتر شروع کرده‌اند. اگر ما واقعاً بحث علمی در سازماندهی داشته باشیم، دقیقاً وقتی ما جامعیت و مانعیت را در بازایی اطلاعات مطرح می‌کنیم، می‌بینیم که باید ابزار داشته باشیم و نمی‌توانیم بدون ابزار، اطلاعات را مدیریت کنیم و به آن جامعیت و مانعیت مورد نظرمان برسیم. یکی از ابزارهایی که کمک بسیار زیادی به ما می‌کند، تزاروس است. از آنجایی که سابقه ساخت تزاروس در کشور ما خیلی نیست و همه کس هم، نه تنها در داخل کشور بلکه در خارج کشور هم، جرأت این که به سمت ساخت تزاروس بروند، ندارند. خیلی مهم است که ما در مورد ضرورت و روش‌های ساخت تزاروس بحث کنیم و فکر می‌کنم که همه دوستان تجربه دارند. اما در مورد تولید ماشینی تزاروس فکر می‌کنم که خود آقای سمیعی تجربه قابل توجهی داشته باشند.

* سمیعی: تزاروس به عنوان محوری که جستجو را خیلی منطقی می‌کند، در همه زمینه‌های اطلاع‌رسانی مطرح بوده و هست. ولی ابزار جدید، امکاناتی را در طراحی و ساخت تزاروس در اختیار ما قرار داده است که با طراحی و ساخت تزاروس در دهه‌های ۷۰ و ۸۰ میلادی متفاوت است. متأسفانه متخصصان و اساتید دانشگاه‌های ما که الان تدریس می‌کنند، از منابعی استفاده می‌کنند که در دهه‌های ۷۰ و ۸۰ و با امکانات آن موقع در اختیارشان قرار گرفته است. ولی می‌دانید الان با توجه به امکانات وسیعی که در جستجوی کامپیوتری داریم، راه‌کارهای بهتری را باید در پیش بگیریم. هم اکنون نرم‌افزارهای تولیدکننده تزاروس با امکانات بسیار جالبی در اختیار قرار دارند و مراحل ساخت تزاروس را تا درصد بالایی به صورت ماشینی انجام می‌دهند. اگر نگاهی به موتورهای جستجو در اینترنت بیندازید، می‌بینید که

دایرکتوری‌های آن‌ها که در حقیقت یک تزاروس هایپرتکست (Hypertext Thesauri) هستند، به صورت روزآمد شاخه تولید می‌کنند و همواره به روز هستند. این تزاروس‌ها مباحث جدید را به راحتی در خود هضم می‌کنند. مثلاً پس از «یازدهم سپتامبر»، صدها شاخه به همه تزاروس‌های مرتبط افزوده شد. امکان دسترسی به چنین قابلیت‌تغییری، بدون ابزار هوشمند، وجود ندارد. ما در زمینه ساخت تزاروس ماشینی برای علوم اسلامی تجربه موفقی داشتیم. هنگامی که می‌خواستیم سایت «www.islamicdatabank.com» را تدوین کنیم، دیدیم هیچ تزاروس مناسبی در مورد اسلام و علوم اسلامی در دسترس نیست. بنابراین برای برآورده نمودن این نیاز، با استفاده از نرم‌افزاری که خودمان طراحی کرده بودیم، مشغول تهیه تزاروس علوم اسلامی شدیم. امکانات این نرم‌افزار تا حد زیادی به ما کمک کرد. الان تزاروسی داریم با حدود ۲۰۰۰۰ شاخه که هم بر اساس روابط منطقی استوار است و هم می‌تواند به راحتی مباحث جدید را در خود هضم کند. حسن استفاده از این گونه نرم‌افزارها در این است که به صورت روزآمد رابطه بین الگوی منطقی و منابع موجود را حفظ می‌کنند. یعنی از یک طرف تمام ساختار، تابع یک نظام منطقی است و از طرف دیگر هیچ شاخه‌ای نیست که منبعی زیرش نیامده باشد، یعنی این منابع هستند که شاخه‌ها و اصلی و فرعی بودن آن‌ها را تعیین می‌کنند. مثلاً شاخه «افغانستان» اگر مورد توجه ویژه قرار بگیرد، می‌تواند اصلی‌تر شود، یا شاخه «القاعده» که قبلاً مطرح نبوده، اضافه شود و شاخه «لایه اوزون» به شاخه‌ای فرعی‌تر تبدیل شود. در حقیقت قابلیت بالای نرم‌افزاری بسیاری از محذورات تزاروس‌های دستی را از بین برده است. تا همین اواخر حتی در دهه ۹۰ بحث‌های جدی‌ای در مورد «پیش‌هم‌آرایی یا پس‌هم‌آرایی» در نمایه‌سازی صورت می‌گرفت، که با امکانات جستجویی که الان در رایانه موجود است، اصلاً اهمیتی ندارد و کامپیوتر می‌تواند در هر دو سیستم، بازایی بهینه‌ای داشته باشد. بنا بر این توصیه من این است که دوستان و همکاران محترم در زمینه آرشیو بی‌درنگ با یکی از نرم‌افزارهای تولید ماشینی تزاروس، نمایه‌سازی به زبان کنترل شده را شروع کنند.

* فراستی: با توجه به تنگی وقت، مجبوریم که سرفصل‌های ۵ و ۶ را در هم ادغام کنیم و یک‌باره چشم‌انداز دهه هشتاد را مورد توجه قرار دهیم.

* دهقان: من در مورد طرح تکفا صحبتی نمی‌کنم، چون از اساس با آن مخالف بوده‌ام. ولی در مورد چشم‌انداز دهه هشتاد باید بگویم که در حرکت به سمت دیجیتال شدن، اتفاقی که در جهان می‌افتد، با نگرش ما خیلی متفاوت است. فرض کنید که کسی حوضی را خالی می‌کند و از پشت هم سیلابی، مثل سد کرج

وزارتخانه‌ها متصل است و امکانات پیچیده‌ای. تا جایی که من اطلاع دارم. به وجود آمده است. در مورد اسناد قبلی، ما خیلی عقب هستیم. اسناد از دوره قاجار تا دوره پهلوی. که قبل از تحویل به نهاد، با آن وضع تأسفار ننگه‌داری می‌شد. قبل از شروع پروژه سازماندهی اسناد و ماشینی شدن اطلاعات، نه تنها قابل دسترسی نبوده حتی نمی‌دانستند که آن اسناد در مورد چیست. البته این کار خوبی بوده که در دهه ۷۰ صورت گرفته است و امکان بازیابی اطلاعات فراهم شده است. اما بحثی که در مورد اسکن اسناد مهم است، به نظر من در کل، کار بسیار مثبتی است، که می‌تواند روی اسناد صورت گیرد. در زمینه اسنادی بعد از انقلاب، که شما می‌فرمایید که ما فقط به اسناد گذشته می‌پردازیم، ما باید مخاطبان جاری را در نظر بگیریم. منتها کشور بعد از انقلاب که تا سال ۶۸ درگیر جنگ و مشکلات خاص خودش بود و در زمینه سازماندهی اسناد و مکاتبات بین ادارات، هیچ گونه کار ویژه‌ای صورت نگرفته و برای من جالب است که سیستم بایگانی‌ای که قبل از انقلاب وجود داشته، نسبت به بعد از انقلاب، مخصوصاً سال‌های اول انقلاب، خیلی کامل‌تر بوده است. در پرونده‌ها، حتی سیستم ساده بایگانی رعایت نشده است. گاهی سندی از سال ۵۸ داخل اسناد سال ۶۵ پیدا می‌شود. باید این کارها صورت بگیرد تا ما به مرحله مطلوب برسیم.

* فراستی: آقای کشاورز در ادامه سخنان آقای دهقان، به نظرم شما حرفی داشته باشید. فکر می‌کنم که آقای دهقان نظرشان این است که به دنبال تغییر فرمت باشیم ما می‌گوئیم زمانی اطلاعات روی لوح گلی بود و بعداً ابزارهای دیگر، پاپیروس، بعد از آن هم نوشته به سبک امروزی، حالا بحث سی‌دی و فرمت‌های جدید است.

* کشاورز: قطعاً به همین صورت است، ما باید آماده شویم که در کل کارها و به خصوص در آرشیو، از ماشین بیشتر استفاده کنیم؛ تحول عظیمی در حال رخ دادن است که در آینده تحول را بهتر می‌بینیم. اما نکته خیلی مهمی که به نظر من می‌رسد، این است که با توجه به حجم خیلی زیادی که در حوزه اسناد دولتی وجود دارد، من فکر می‌کنم، که به اولویت‌ها و کاربرد اسناد، خیلی برجسته نگاه کنیم، چون حجم اسناد زیاد است؛ الان میان آرشیویست‌های حرفه‌ای این بحث هست که سند بی‌ارزش هم وجود دارد یا خیر. کسی نمی‌تواند خیلی قطعی نظر دهد. ما آماری از سال‌های گذشته داریم که هشت میلیارد اسناد راکد دولتی شناسایی شده و دسترسی و استفاده از حجم این چینی کار خیلی پیچیده‌ای خواهد بود؛ حتی اگر دیجیتال هم کنیم، باید به کاربرد اسناد و اولویت اسناد توجه کنیم. حتی در آرشیو هم توصیه می‌شود، اسنادی که با آن زیاد کار داریم و مورد مراجعه قرار می‌گیرند، در دسترس قرار دهیم و به دنبال آن نرویم. تمام هم و

شکسته و دارد می‌آید تا این دو تا سطل آب را بکشد، خانه را آب برده است. فقط من این را خدمت شما بگویم اگر ما میراث اطلاعاتی بشر را از آن موقع که نقاشی را در روی دیوار غارها حک شده، به عنوان سند تلقی کنیم، تا نوشته‌های خط میخی روی سنگ‌ها تا اطلاعاتی که الان هر روز در دنیا تولید می‌شود، در سال ۲۰۱۰ میلادی اگر همه مجموعه دانش اطلاعات بشری را در نظر بگیریم، در آن سال، ۹۸٪ اطلاعات بشری به صورت دیجیتال متولد می‌شود. یعنی از روز اول تا سال ۲۰۱۰ هر چه اطلاعات جمع کنیم آن‌ها ۲٪ اطلاعاتی است که در سال ۲۰۱۰ ایجاد می‌شود. ما با چنین پدیده‌ای روبرو هستیم و آرشیو باید در این مورد، دیدگاه خود را آماده کند. الان یکی از وظایف آرشیو ما در ایران. که من در میان سرفصل‌های دیگر ندیدم. تدوین استانداردهای دیجیتال کردن است. یعنی به جای این که مدارک قبلی را اسکن کنیم، مثلاً جناب اسماعیلی در ریاست جمهوری آیین‌نامه‌ای را تدوین کنند که مدارک غیر دیجیتال را نپذیرند، الان هنوز نامه‌ها به صورت دستی می‌آید و هنوز ما این‌ها را در لیست می‌گذاریم که اسکن کنیم، در حالی که این اطلاعات، دیجیتال متولد شده است؛ روی یک ماشین تحریر کامپیوتری تایپ الکترونیک شده، بعد پرینت شده به صورت آنالوگ، که به دست ایشان رسیده و می‌خواهند بودجه بگیرند و دیجیتالش کنند. به نظر من آرشیوهای ما باید وقت بگذارند و آیین‌نامه‌هایی را تدوین کنند که اطلاعات را از این پس به صورت دیجیتال دریافت کنند و آرشیو کنند و برای این تحول عظیمی که در حال شکل‌گیری است خودشان را آماده کنند. برای این فکری کنیم و اگر مدارکی از قبل در حال نابودی است، بله، باید بودجه‌هایی را برای آن دید و حفظ و خراست کرد، ولی برای الان به این صورت فکر کنیم که مدارک را به صورت دیجیتال تحویل بگیریم، به جای اینکه آنالوگ بگیریم و سپس دیجیتال کنیم. این استاندارد را آرشیوها می‌توانند انجام دهند برای مثال آرشیو راه‌آهن را که من برایشان کار می‌کردم، آیین‌نامه‌ای نوشتیم که شرکت‌هایی که طراحی انجام می‌دهند، اجازه ندارند نقشه بفرستند، باید سی‌دی بفرستند، با این فرمت و با این استاندارد. قبلاً با اتوکد نقشه را طراحی کرده و پرینت می‌گرفتند و برای آرشیو می‌فرستادند و آرشیو هم با نرم‌افزاری اسکن و ذخیره می‌کرد؛ ما یک مسیر برعکس را طی می‌کردیم. مسیر آینده اطلاعات، آینده بسیار حجیم و سنگینی است و آرشیوهای ما متولی آن هستند و اگر آمادگی آن را نداشته باشند، من فکر می‌کنم که در زیر این سیل، آرشیوهای ما تبدیل می‌شود به همان بایگانی که آقای کشاورز فرمودند که فرهنگستان اشتباهاً تعریف کرده است!

* اسماعیلی: در مورد دیجیتال کردن مکاتبات جاری. که شما فرمودید. در نهاد، این کار صورت می‌گیرد و الان شبکه به کلیه

غم ما باید این باشد که اسنادی که کاربرد بیشتری دارند، توجه در حفظ و نگهداری آن کنیم و شرایط استاندارد برای آن ایجاد کنیم. این که چشم‌انداز آینده را نگاه کنیم و به گذشته نگاه نکنیم، این قضیه برای من مبهم است. چون اصلاً کار آرشیویست‌ها توجه به گذشته است. از یک آرشیویست پرسیدند که شما چه کار می‌کنید؟ گفت ما پل می‌سازیم. کار آرشیویست ساختن پل از گذشته به آینده است و ما نمی‌توانیم گذشته را در نظر بگیریم. اصلاً آرشیویست همین است. البته باید به این توجه کنیم که کاربردش در آینده چه خواهد بود. آن چیزی که استفاده نمی‌شود، نباید به آن توجه کرد، ولی همانطور که ما یاد گرفته‌ایم، گذشته چراغ راه آینده است. به هرصورت اگر می‌خواهیم برای دیجیتال کردن و آینده‌مان برنامه‌ریزی و طرح‌ریزی کنیم، ناگزیر هستیم که به گذشته نگاه کنیم. یک نکته ای که من به آرشیو اشاره و ختم کنم، این است که متأسفانه آرشیو از جهاتی مورد بی‌توجهی قرار گرفته و آن کاربرد آرشیو در طرح‌های توسعه است. شما در هر زمینه ای که در حال توسعه باشید و طرح‌های توسعه داشته باشید، نمی‌توانید سابقه آن را نگاه نکنید و برنامه توسعه را طراحی کنید. متأسفانه با این که من حدود چهارده تا پانزده سال است که در سازمان اسناد هستم، هیچ وقت و در هیچ زمینه‌ای (اقتصادی، سیاسی، عمرانی و ...) که قرار بوده طرح و برنامه‌ای در زمینه توسعه ریخته شود، نشده که مراجعه کنند به سوابق قضیه و مدارک را ببینند!

* **فرزام:** فکر می‌کنم در جلسه امروز اگر چه خوب بود و حضور در آن، برای من خوش آیند بود، ولی مجبور شدیم از یک سری مباحث سنگین و مهم، بدون آن که در آن زبان مشترکی ایجاد کرده باشیم، عبور کنیم. فقط یک مرور سریع انجام شد و بیش از این هم فرصتی نبود. امیدوارم این جلسات بتواند مستمر باشد، چه در خانه کتاب یا در هر جاکه خود نهادهای اسنادی پیش‌قدم شوند. چون مسائل ما روشن و جدی است و بحث آرشیو در دنیا هم مسئله جدیدی است، در کشور ما بالطبع تکلیف آن روشن است. خیلی در مسائل عقب هستیم و می‌خواهیم که در واقع از مسائل روز عقب نمانیم. به بیشتر این سر فصل‌ها باید با دست و بال بسته، نگاه کنیم و من امیدوارم بتوانیم دقیق‌تر، جزئی‌تر و واقعی‌تر راجع به مسائلمان صحبت کنیم.

* **طاهری:** در مورد سر فصل آخر، چشم‌انداز آینده و دیجیتالی، در واقع کاری که ما در بنیاد انجام می‌دهیم تولید اطلاعات به شکل جدید بر اساس اسناد است. در کنار کار آرشیوی، این کار را هم انجام می‌دهیم و به نوعی فرمت این‌ها را تغییر می‌دهیم. مثلاً ما در حوزه خودمان، شخصیت‌ها را به صورت بانک اطلاعاتی در می‌آوریم. از اسناد این اطلاعات را بیرون می‌آوریم و یک فایل شخصیت‌های کامل در این حوزه کار می‌کنیم یا فرضاً قصه‌های ایرانی را کار می‌کنیم که خواستگاه ایران دارند. یکی از کارهای که بنظر من مراکز آرشیوی باید انجام دهند تولید

اطلاعات براساس اسناد آرشیوی به فرمت جدید است. که در جاهایی، مراجعه‌کننده را از رجوع به سندهای گذشته بی‌نیاز می‌کند. البته اگر مآخذشناسی کامل اطلاعاتی به صورت کامل آورده باشیم. این تجربه‌ای است که ما انجام می‌دهیم و جوابگو هم بوده است.

* **فراستی:** در بحث طرح تکفا، عناوینش نشان‌دهنده مشکلاتی است که ما در این چند ساله پیوسته با آن‌ها مواجه بودیم. یعنی هر جا وقتی بحث ماشینی شدن اطلاعات و یکدست‌سازی مطرح بوده است، همیشه مشکل کدیج (Page Code) مطرح بوده، که چه کسی بانی است و کدامیک درست است. از اهداف اصلی طرح تکفا، تقویت خط و زبان فارسی است. من نمی‌دانم که گرایش آن از نظر سازمانی به فرهنگستان است یا سازمان‌های دیگر. در مجموع این طور می‌بینم که مثلاً وقتی ما کار ماشینی کردن اطلاعات خودمان را در بحث اسکن آغاز کردیم، اگر «OCR» فارسی بود و جواب ما را می‌داد، ما ناچار نمی‌شدیم که بیست و دو ماه، سی نفر نیرو استخدام کنیم، که اسناد را بخوانند و یا کلماتی که بار اطلاعاتی دارند، استخراج کنند. مخصوصاً در مورد سندهایی که دست‌نویس نیستند، بلکه تایپ شده‌اند می‌شد از «OCR» استفاده کرد. من امیدوارم که مواردی که در طرح تکفا مطرح شد و پیوسته این چند سال شنیدید، موفق شود و به نظام اطلاع‌رسانی کشور کمک کند. یکی از مباحث مهم آموزش و ترویج است. ما هنوز در کشور مرکزی داریم که سند وجود دارد، حالا ممکن است که اسمشان آرشیو نباشد، ولی اسناد، مخصوصاً اسناد تاریخی، دارند. این‌ها هیچ‌گونه کار علمی روی آن انجام نداده‌اند، یعنی حتی آن بحث سازماندهی که ما به عنوان سازمان‌هایی روی آن کار می‌کردیم و مرحله‌ای را طی کردیم، آن‌ها انجام نداده‌اند. چقدر خوب است که طرح تکفا بتواند کمک کند که حداقل این سازمان‌های دارنده اسناد، به فکر بیفتند که باید مدارکشان را سازمان دهند. لاقلاً آن دسته‌ای که اخیراً سازماندهی خود را کم و بیش شروع کردند، به سمت سازماندهی علمی و رایانه‌ای شدن اطلاعات بیایند. در بحث چشم‌انداز دهه ۸۰ من فکر می‌کنم که سازمان‌هایی که شروع کردند و جلساتی که قبلاً با هم داشتیم و . ان شاء الله . در آینده هم ادامه خواهد داشت اگر همکاری خوبی با هم داشته باشیم، موفق می‌شویم که کار ماشینی کردن را به مراحل خوبی برسانیم. اما مباحث محرمانه بودن اسناد، یعنی طبقه‌بندی که برای اسناد مطرح است، مشکلی است که باید سازمان‌ها به طور جدی در این دهه به آن بپردازند. من دیگر نمی‌خواهم در این زمینه عرضی داشته باشم و به این نتیجه رسیدم که بحث، بحث توسعه بانک‌های اطلاعاتی است و ما اگر به آن بپردازیم، می‌توانیم موفق شویم.

* **در پایان فراستی دبیر جلسه و سمیعی میزبان، از همگی تشکر کرده و برای آنان آرزوی موفقیت نمودند.**